

مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چارچوب حقوق بین‌الملل

محمدحسین رضانی قوام‌آبادی*

حیدر پیری**

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/cilamag.2018.31688

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۷

چکیده

مخاصمه مسلحانه داخلی سوریه، بستری برای نقض گسترده حقوق بین‌الملل و رشد فعالیت‌ها و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی از جمله دولت اسلامی عراق و شام یا داعش بوده است. در این راستا شورای امنیت، علی‌رغم صدور قطعنامه‌هایی مبنی بر محکومیت افراط‌گرایی تروریستی، به دلیل اختلاف دیدگاه قدرت‌های بزرگ و مداخله برخی کشورهای عربی و منطقه نتوانست جهت پایان‌دادن به این بحران، تصمیم مقتضی و الزام‌آور اتخاذ کند. این عوامل باعث شد ایالات متحده با همراهی برخی کشورهای عربی و غربی، ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با داعش ایجاد کند. هرچند صرف شکل‌گیری این ائتلاف، امری مثبت و حاکی از حساسیت جامعه بین‌المللی نسبت به اقدامات ضدانسانی است، مهم این است که آیا شکل‌گیری، اقدامات و مداخله این ائتلاف از منظر حقوق بین‌الملل، مشروع است؟ این دولت‌ها در قالب ائتلاف، اقدام به تفسیر مقوله‌های مختلف حقوق بین‌الملل نموده و با توسل به زور در خاک دولت میزبان، اصول بنیادین منشور و حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده‌اند چرا که توسل به زور جز با مجوز شورای امنیت، رضایت دولت یا استناد به ماده ۵۱ منشور ولی بدون توجه به شرایط حقوقی آن، فاقد وجهت منشوری در حقوق بین‌الملل معاصر است و نظام بین‌المللی را به نظم حقوقی پیش از تصویب منشور، عقب می‌برد.

واژگان کلیدی

ائتلاف بین‌المللی علیه داعش، حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع، مشروعیت، داعش، توسل به زور، سوریه، عراق

ramazanighavam@yahoo.com

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

heidar.piri@gmail.com

** نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

مخاصمه مسلحانه داخلی سوریه، بستری برای نقض گسترده و نظام‌مند حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و رشد فعالیت‌ها و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی بوده است. از جمله این گروه‌های تروریستی، دولت اسلامی عراق و شام یا داعش است که از زمان پیدایش آن در سال ۲۰۱۳ با حمایت‌های مشخص برخی کشورهای غربی - عربی در منطقه خاورمیانه ظهور کرده و در واقع، فرزند نامشروعی است که در دامان داعیه‌داران حقوق بشر و معتقدان به خاورمیانه بزرگ رشد و نمو کرده است. داعش برای رسیدن به اهداف خود از حمله‌های گسترده و کور به جمعیت غیرنظامی، اعدام و کشتار پیروان مذاهب مختلف، قتل،^۱ شکنجه، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری، تجاوز به عنف، رفتارهای خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه علیه کودکان و زنان، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه به ساکنین تحت محاصره و خسارت به اموال و نابودی زیرساخت‌های عراق و سوریه^۲ چشم‌نپوشیده است. پیشرفت سریع داعش در تابستان ۲۰۱۴ و اهداف توسعه‌طلبانه اعلام‌شده این گروه، تهدید امنیتی قریب‌الوقوع بر کل منطقه و حتی جهان را اثبات نمود و در مدت کوتاهی، بخش عظیمی از قلمرو سرزمینی عراق و سوریه را کنترل و تحت نفوذ گسترده خود قرار داد.

در این راستا شورای امنیت در مقام رکن حافظ صلح جامعه بین‌المللی به منظور پایان دادن به درگیری‌ها، با صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی، خواستار پایبندی طرف‌های مخاصمه به تعهدات حقوق بشردوستانه و حقوق بشری و پایان دادن مخاصمه از طرق مسالمت‌آمیز شده است. شورای امنیت با وجود محکومیت صریح حملات داعش در پی نقض‌های حقوق بشری و خشونت و افراط‌گرایی تروریستی و تلقی آن به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و درخواست همکاری از دولت‌ها برای سرکوب اعمال تروریستی داعش به دلیل رویارویی با مشکلات حقوقی و سیاسی ناشی از تهدید به اعمال حق و توتوسط روسیه و اختلاف دیدگاه اعضا در خصوص اقدام نظامی بر علیه داعش، مداخله برخی کشورهای عربی و منطقه، ضعف در ساختار شورای امنیت و فقدان سازکار اجرایی مناسب ناشی از عدم تشکیل نیروهای ملل متحد طبق ماده ۴۳ منشور، نتوانست اقدام عاجلی جهت اجرای ماده ۴۲ منشور انجام دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ^۳ و رویکردی

۱. بر اساس تخمین کمیسیاریای عالی حقوق بشر و مأموریت امداد سازمان ملل در عراق، در دوره زمانی مابین ژانویه تا اوت ۲۰۱۴ تعداد ۸۴۹۳ غیرنظامی در عراق توسط داعش و سایر گروه‌های هم‌پیمان آن کشته و تعداد ۱۵۷۸۲ غیرنظامی توسط آنان مجروح شدند.

UN Human Rights Office of the High Commissioner for Human Rights and the UN Assistance Mission for Iraq, Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July- 10 September 2014.

2. Smith, Samuel, "UN Report on ISIS: 24,000 Killed, Injured by Islamic State; Children Used as Soldiers, Women Sold as Sex Slaves", *The Christian Post*, 9 October, 2014.

۳. در بررسی تطابق عملکرد شورای امنیت در مقابله با داعش با آنچه این نهاد، ملزم به رعایت آن است می‌توان گفت که به‌نظر می‌رسد شورای امنیت، اصل ضرورت و احترام به حاکمیت داخلی را در اقدامات خود، مدنظر قرار داده است. البته با توجه

یکسان جهت پایان دادن به بحران سوریه شکل گیرد.

این عوامل منجر شد که ایالات متحده تلاش کند به همراهی برخی از کشورهای غربی و عربی خاورمیانه، برای مقابله با داعش، ائتلاف جهانی ایجاد کند. اضطراب بشردوستانه و عدم اقدام مؤثر شورا باعث شد که دولت‌های ائتلاف بتوانند به‌طور انفرادی یا جمعی به اقدامات گوناگون متوسل شوند. در این راستا دولت‌های ائتلاف در جهت راهبرد جدید خود سعی کردند مناطق تحت سلطه داعش را از خشونت رها کنند. آن‌ها طی عملیات هوایی بدون مجوز شورای امنیت، مناطق حساس تروریست‌ها را بمباران کردند. هرچند نفس شکل‌گیری این ائتلاف، امری مثبت و علی‌الظاهر حاوی این پیام است که جامعه بین‌المللی نسبت به اقدامات ضدانسانی و ضدحقوق بشری حساس شده و در برابر آن منفعل نخواهد ماند، چیزی که مهم است نحوه شکل‌گیری و اقدامات این ائتلاف است که بر اساس مقررات منشور و مجوز شورای امنیت شکل نگرفته است. بنابراین هر ائتلافی از منظر حقوق بین‌الملل دارای مشروعیت نبوده و اعتبار حقوقی مداخله این ائتلاف، بسیار بحث‌برانگیز به شمار می‌رود. این دولت‌ها در قالب ائتلاف و به بهانه مبارزه با داعش در کنار عدم اقدام مناسب شورای امنیت، اقدام به تفسیر مقوله‌های مختلف حقوق بین‌الملل نموده و با توسل به زور در قلمرو سرزمینی سوریه و عراق، وارد شده و اصول بنیادین و آمره حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده‌اند. لذا در این تحقیق سعی بر آن شده است تا مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف در عراق و سوریه، تقابل حق دفاع مشروع با اصل حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌های مقرر تروریست از منظر حقوق بین‌الملل، تجزیه و تحلیل شود.

۲. پیشینه و شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی علیه داعش

در سال ۲۰۱۴، گروه تروریستی داعش، با پیشروی سریع، بخش وسیعی از قلمرو عراق و سوریه را تصرف کرد و در تابستان ۲۰۱۴، شهر موصل در عراق را اشغال و مرکزیت دولت خود - ادعایی (خلیفه) در شرق سوریه یعنی رقا^{۶۵} را اعلام کرد. ارتکاب جنایات گسترده نسبت به جمعیت

به اختیارات اعطاشده به شورا انتظار می‌رفت که شورا بتواند وظیفه‌اش را در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به نحو صحیح‌تر انجام دهد.

4. Raqqa

5. Carmen-Cristina Cîrlig, "The International Coalition to Counter ISIL/DAESH", *European Parliamentary Research Service*, 17 March 2015, p. 2.

۶. در آن دوره که دولت مرکزی عراق، بیش از هر زمان دیگر به پشتیبانی‌های خارجی نیاز داشت، کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا به بهانه‌های گوناگون، کمک به دولت عراق را عقب انداختند و برای فرار از زیر بار مسئولیت مبارزه با داعش، دولت وقت عراق را مسئول پیشروی داعش معرفی کردند. ناکامی داعش در حمله به بغداد به‌ویژه نزدیک شدن به منطقه نفت‌خیز اربیل، راهبرد آمریکا در قبال داعش را تغییر داد و طرح تشکیل ائتلاف بین‌المللی برای مبارزه با داعش مطرح شد.

غیرنظامی، رشد سریع در عراق و سوریه و اهداف توسعه‌طلبانه اعلام‌شده داعش، تهدید امنیتی قریب‌الوقوع بر کل منطقه و حتی جهان را اثبات کرد. تشکیل ائتلاف بین‌المللی ضد داعش به رهبری ایالات متحده و همراهی برخی از کشورهای عربی و اروپایی و برخی سازمان‌ها از جمله اتحادیه اروپا و ناتو، در واکنش به اقدامات تروریستی گروه‌های مزبور بوده است.

در پایان نشست دوروزه کشورهای عضو ناتو در نیویورک انگلیس، اوباما برای نخستین بار و به‌طور رسمی تشکیل ائتلاف بین‌المللی علیه داعش را پیشنهاد کرد و بعد از نشست سران ناتو در ولز، ۴ و ۵ سپتامبر ۲۰۱۴، فرانسه، بریتانیا، دانمارک، آلمان، کانادا، ترکیه، ایتالیا، لهستان و استرالیا برای مقابله با داعش، به ایالات متحده پیوستند. در ۱۲ سپتامبر، ۱۰ کشور خاورمیانه به همراه ایالات متحده در نشست جده عربستان، پایبندی خود به تشکیل ائتلاف بین‌المللی برای جنگ علیه داعش را اعلام کردند. این نشست، مقدمه‌ای بر نشست پاریس به‌عنوان نخستین نشست بین‌المللی علیه داعش بود. در این نشست، نمایندگان نزدیک به ۳۰ کشور و سازمان بین‌المللی بر مبارزه با داعش و صلح و امنیت عراق و اتخاذ رویکردی یکپارچه در این زمینه تأکید کردند.

پس از قتل جیمز فولی خبرنگار امریکایی، موجی از فشارها برای مبارزه با داعش در کشورهای غربی ایجاد و در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴ عملیات مسلحانه بر علیه داعش در سوریه (۲۲ روز پس از حمله به عراق) شروع شد.^۸ تا این زمان، حملات هوایی فقط به عراق محدود می‌شد. در ۸ اوت ۲۰۱۴ ایالات متحده، حملات هوایی را علیه مواضع داعش نزدیک اربیل در عراق شروع کرد. فرانسه نیز در ۱۹ سپتامبر، حمله هوایی علیه داعش در عراق را اعلام نمود که این امر، شروع ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با داعش قلمداد می‌شود.^۹ فرانسه تا قبل از حملات تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ داعش به پاریس، تنها در حملات هوایی نیروهای ائتلاف در عراق علیه شبه‌نظامیان مشارکت داشت اما حوادث پاریس، پای فرانسه را در سپتامبر ۲۰۱۵ به جنگ سوریه و بمباران مواضع داعش در سوریه مشخصاً بر اساس حق دفاع مشروع باز نمود.^{۱۰}

هم‌زمان با حملات هوایی، پیگیری‌های سیاسی برای شرکت کشورهای بیشتر در ائتلاف علیه داعش ادامه یافت. بنابراین مقدمات نشست بروکسل بلژیک در ۳ دسامبر ۲۰۱۴ با شرکت وزیران امور خارجه ۶۰ کشور^{۱۱} از طرف امریکا فراهم شد. یکی از دستاوردهای این نشست،

۷. در ۲۴ سپتامبر در مجمع عمومی سازمان ملل، اوباما از اعضای سازمان ملل درخواست کرد تا به نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده برای مقابله با داعش بپیوندند.

۸. <http://www.guardian.co.uk>, Nov/2014, and <http://en.alarabiya.net/News/middle-east/2014>.

۹. Carmen-Cristina Cîrlig, *op. cit.*, p. 6.

۱۰. مهم‌تر از حملات فرانسه به مواضع داعش در سوریه پس از وقوع حوادث تروریستی پاریس، دولت فرانسه پیش‌نویس قطعنامه ۲۲۴۹ را تقدیم شورای امنیت می‌نماید که در نهایت در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۵ با اتفاق آرای شورای امنیت به تصویب می‌رسد. این قطعنامه مباحث پیچیده‌ای در مورد جواز یا عدم مجوز شورا برای حمله به سوریه فراهم ساخته است که در ادامه مفصل به آن خواهیم پرداخت.

۱۱. *Ibid.*, p. 2. See also: www.state.gov/s/sect/index.htm.

همکاری عملی کشورهای فرامنطقه‌ای با کشورهای منطقه‌ای عربستان، امارات، قطر و اردن در مبارزه با داعش بود. البته برخی از این کشورها با سطوح مختلف دخالت و در حوزه‌های مختلف، از انجام حملات هوایی گرفته تا مشورت و فراهم کردن ابزارهای جنگی علیه داعش همکاری داشتند.^{۱۲} و^{۱۳} درنهایت، راهبرد نیروهای ائتلاف برای مقابله با داعش را می‌توان این‌گونه خلاصه نمود: حمایت از عملیات نظامی، ظرفیت‌سازی و آموزش؛ توقف سرازیری جنگجویان تروریست خارجی؛ قطع و منع دستیابی داعش به سرمایه و منابع مالی؛ فراهم‌سازی کمک‌های بشردوستانه برای بحران؛ افشای ماهیت واقعی داعش و ایدئولوژی عدم مشروعیت آن. لذا کمک اعضای ائتلاف، لزوماً نظامی نیست، بلکه می‌تواند در حوزه‌های مختلف باشد.^{۱۴}

شکل شماره ۱: مشارکت ائتلاف بین‌المللی

ائتلاف بین‌المللی علیه داعش

کمک نظامی	کمک نظامی و بشردوستانه	کمک بشردوستانه	حمایت سیاسی / سایر کمک‌ها
آلبانی	استرالیا	استرالیا	قبرس
بحرین	کانادا	لهستان	کوزوو
اردن	دانمارک	تایوان	مقدونیه
سنگاپور	ترکیه	گرجستان	مراکش
	مجارستان	ایرلند	پرتغال
	کویت	اتحادیه اروپا	اسلونی
	فرانسه	لوکزامبورگ	اکراین
	لتوانی		بوسنی و هرزگوین
	انگلستان		
	عربستان		
	رومانی		
	هلند		
	حملات هوایی در عراق		
	کمک نظامی: بمباران هوایی، تجهیزات نظامی از قبیل سلاح و مهمات، تدارکات و آموزش		

12. Human Rights Council, 29th session, Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms While Countering Terrorism, Ben Emmerson, 16 June 2015, p. 15

13. نیروهای ائتلاف از زمان آغاز حملات علیه داعش تا فوریه ۲۰۱۵، بیش از ۱۳۶۷ حمله هوایی در عراق و ۱۰۵۹ حمله در سوریه انجام داده و ۴۷۷۵ بمب استفاده کرده‌اند. همچنین تا ۲۷ مارس ۲۰۱۵ ائتلاف بیش از ۳۰۰۰ بمباران هوایی و ۱۱۰۰۰ بمب بر مواضع داعش رها کرده است. ایالات متحده، رهبری ۹۲٪ از حملات هوایی نیروهای ائتلاف در سوریه و ۷۰٪ در عراق را بر عهده داشته است. Carmen-Cristina Cîrlig, *op. cit.*, p. 8; Human Rights Council, *op. cit.*, p. 15

14. Carmen-Cristina Cîrlig, *op. cit.*, p. 7.

۳. بررسی مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف در دولت میزبان داعش در پرتو حقوق بین‌الملل

توجیه دخالت‌های نظامی بشردوستانه بر پایه تفسیری محدود و مشروط از بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، به‌ویژه با توجه به نارسایی‌های این سازمان در انجام وظیفه خویش و بر پایه اصول اخلاقی و حقوقی مندرج در منشور سازمان ملل متحد درباره بشر استوار است.^{۱۵} در این قسمت سعی می‌شود که مداخله نظامی نیروهای ائتلاف از منظر قواعد و اصول مندرج در منشور، قطعنامه‌های مجمع و شورای امنیت، نظریه‌های نوظهور (مسئولیت حمایت و پارادایم استنکاف و ناتوانی و مشروعیت مداخله در دولت مقرر تروریست‌ها) و همچنین مسائل و چالش‌های آن‌ها تجزیه و تحلیل شود.

۳-۱. تجزیه و تحلیل مداخله نیروهای ائتلاف در پرتو ممنوعیت و محدودیت‌های توسل به زور

مداخله بشردوستانه در راستای اهداف مقدس جامعه بین‌المللی با استفاده از وسایل قانونی، از مشروعیت لازم برخوردار خواهد بود. به عبارت دیگر، شورای امنیت به‌عنوان رکن صالح اقدامات جمعی، بعد از احراز ضرورت مداخله بشردوستانه به دلیل نقض‌های جدی حقوق بشر باید هر اقدامی را که بر مبنای ماده ۴۱ و ۱۶۴۲ منشور ملل متحد، مؤثر تشخیص می‌دهد، ضمن احترام به حاکمیت داخلی دولت‌ها با رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصل ضرورت و تناسب، به‌کار گیرد.^{۱۷} به نظر می‌رسد رعایت این اصول برای ممانعت از هرگونه سوءاستفاده، غلبه بر منفعت ملی دولت‌ها، مشروعیت مداخله و استفاده از قدرت در جهت عدالت وضع شده است.

منشور ملل متحد با تقویت روح پیمان لوکارنو و بریان کلوگ مبنی بر منع توسل به زور، سه

۱۵. دکترین مداخله بشردوستانه، علی‌الظاهر، معضل و مشکل حل‌نشده در حکومت جهانی را نشان می‌دهد چرا که این دکترین دارای مبنای قانونی آشکار در منشور سازمان ملل نیست. لذا دولت‌ها در عمل بر مبنای منافع ملی خود و به‌خاطر حمایت از مصالح راهبردی‌شان به حمایت از حق حیات، صیانت در مقابل رفتار بی‌رحمانه و اعمال غیرانسانی و حمایت از حقوق بشر استناد می‌کنند. حیدر پیری و دیگران؛ «منافع ملی حیاتی در چارچوب هنجارهای حقوق بشر»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۶۴، ۱۳۹۲، ص ۸۶.

۱۶. ماده ۴۲ منشور ملل متحد که مستند شورای امنیت در عملیات نظامی است، بیان می‌کند: «در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست می‌تواند به‌وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقداماتی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، مبادرت ورزد...». اقدامات ماده ۴۱ شامل متوقف کردن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات و راه‌آهن دریایی، هوایی، پستی تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی است که هدف از اجرای آن، فشار آوردن به دولت‌ها جهت پذیرش تقاضای شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

17. Kolb, Robert, "Note on Humanitarian Intervention", *RICR*, vol. 85, No. 849, March 2003, p. 132.

استثنا را در این رابطه شناسایی کرد: اقدام نظامی بر اساس نظام امنیت جمعی (ماده ۴۲ منشور)^{۱۸} دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور و نهایتاً رضایت بر تهدید و کاربرد زور در قلمرو دولت.^{۱۹}

با توجه به مطالب گفته شده، حمله نیروهای ائتلاف به داعش در چارچوب هیچ کدام از استثنائات فوق قرار نمی‌گیرد. لذا مداخله نظامی نیروهای ائتلاف، هرچند مبتنی بر ملاحظات بشردوستانه و در راستای هدف غایی منشور ملل متحد در جهت حمایت از بشریت باشد، به وضوح در مغایرت با دو اصل اساسی منشور یعنی اصل منع توسل به زور ماده ۲ (۴) و اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها قرار دارد و از این جهت به چالش کشیده شده است. در نتیجه، توسل به زور در حیطة مواردی که منشور به آن تصریح کرده، مشروع تلقی می‌شود.^{۲۰} دیوان نیز در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، موارد استثنایی عدم توسل به زور را محدود به همان موارد مصرح در منشور دانسته است.^{۲۱} همچنین در خصوص استثنای سوم یعنی رضایت بر تهدید و کاربرد زور در قلمرو دولت می‌توان اظهار داشت که ائتلاف بین‌المللی در قلمرو عراق به دعوت رسمی دولت عراق جهت دفع تجاوز گروه تروریستی داعش وارد عمل شده است و دولت عراق با استناد به اصل حاکمیت از این حق برخوردار است که برای حفظ تمامت ارضی خود و محافظت از مردم، از قدرت‌های خارجی تقاضای کمک داشته باشد. اما استدلال مخالف این است که کمک نظامی به عراق با توجه به درخواست رسمی این کشور ممکن است موجه و قانونی باشد، اما گسترش این حملات

۱۸. نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد در قالب فصل هفتم منشور در مواردی به اجرا در می‌آید که شورای امنیت با احراز یکی از مصادیق تهدید علیه صلح، نقض صلح و تجاوز در جهت اعمال مسئولیت اساسی خویش اقدام کرده و تصمیماتی را با توجه به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور اتخاذ کند. بر این اساس، هنگامی که نقض حقوق بشر به آن درجه از شدت و گستردگی برسد که به زعم شورای امنیت برای صلح و امنیت بین‌المللی مخاطره‌آمیز باشد، توسل به زور با مجوز شورای امنیت قابل توجیه است. در واقع، این استثنا به‌عنوان موضوعی مشترک در زمره استثنائات اصل عدم مداخله و احترام به حاکمیت داخلی دولت‌ها نیز قرار گرفته است زیرا طبق بند (۷) ماده ۲ منشور ملل متحد اگرچه هیچ‌یک از ملل متحد مجاز نیستند در اموری که ذاتاً در حیطة صلاحیت داخلی هر دولتی است دخالت کنند، عدم مداخله به تصریح بند مذکور، به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور، لطمه‌ای وارد نمی‌آورد.

۱۹. البته امروزه بنا به گزارش «جهانی امن‌تر، مسئولیت مشترک ما»، شورای امنیت، پنج شاخصه را جهت مشروعیت توسل به زور، مدنظر قرار داده است که عبارت‌اند از: تهدید جدیت داشته باشد؛ تهدید علیه کشور یا امنیت انسانی باشد؛ توسل به زور با هدف مناسب (توقف یا جلوگیری از تهدید مورد بحث) صورت گیرد؛ توسل به نیروی نظامی به‌عنوان آخرین ابزار مورد استفاده قرار گیرد (اقدامات غیرنظامی اعمال شده باشد)؛ از ابزاری متوازن استفاده شود (نتایج فعالیت نظامی بدتر از عدم انجام این عملیات نباشد).

A More Secure World: Our Shared Responsibility, Report of the Secretary-General's High-level Panel on Threats, Challenges and Change, 2004, para. 207.

20. Chesterman, Simon, *Just War or Just Peace, Humanitarian Intervention and International Law*, Oxford University Press, 2001, p. 5.

21. ICJ Reports, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 8 July 1996, paras. 38, 47.

به خاک سوریه بدون کسب اجازه از دولت سوریه، سیاست یک بام و دو هواست و نقض بند ۴ ماده ۲ منشور قلمداد می‌شود.

تفسیر بند چهارم ماده ۲ منشور به‌گونه‌ای که دخالت نظامی کشوری در کشور دیگر را به‌منظور جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشر توجیه کند، از نظر تدبیر و مصلحت بسیار خطرناک خواهد بود زیرا چنین تفسیری موجب پیدایش حقی نامحدود برای ایجاد جنگ تهاجمی و دخالت نظامی ابرقدرت‌ها خواهد شد. این حق به آن‌ها فرصت خواهد داد که هر دولتی را که با سیاست خارجی و اقتصادی آن‌ها همگام نیست، غیرمشروع توصیف و با توسل به زور در امور داخلی آن دولت مداخله کنند. از سوی دیگر، حتی اگر حمایت از حقوق بشر، یکی از ارزش‌های اساسی نظام جدید حقوق بین‌الملل تلقی شود، تجاوز نظامی، وسیله مناسبی برای ایجاد و برقراری این ارزش‌های متعالی اخلاقی و سیاسی نخواهد بود.

۲-۳. مسائل مربوط به رضایت‌محور بودن مداخله

بند ۷ ماده ۲ منشور مقرر می‌دارد: هیچ‌یک از مقررات منشور، اعضا را ملزم نمی‌کند اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است را تابع مقررات این منشور قرار دهند... به بیان ساده، این ماده بدان معنی است که اگر یک دولت از دولت دیگر درخواست کمک کند یا اجازه استفاده از زور در قلمرو مرزهای کشور درخواست‌کننده را بدهد، برخلاف ماده فوق نخواهد بود و مجاز است. عراق در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی معاصر، از انگلستان، ایالات متحده و تعدادی دیگری از متحدان غربی خود، کمک و حمایت نظامی درخواست کرد.^{۲۲} در واقع، در اعلامیه بسیاری از دولت‌های مداخله‌کننده در ائتلاف، صراحتاً به جواز مداخله و درخواست کمک اشاره شده است. در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴، مجلس عوام بریتانیا با ۵۲۴ رأی موافق در مقابل ۴۳ رأی مخالف، جواز مداخله بشردوستانه در قلمرو سرزمینی عراق را صادر کرد. مداخله نظامی در عراق و همچنین جواز بمباران در سوریه در مجلس عوام کانادا نیز با اکثریت آرا به مدت یک سال تأیید شده است.

اگرچه قانون اساسی آمریکا مقرر می‌دارد که قبل از شروع جنگ، تأیید‌کننده لازم است، اوپاما در ابتدا از کنگره جواز مداخله نظامی در عراق و سوریه را درخواست نکرد. او به جواز مقابله نظامی با تروریست در سال ۲۰۰۱ و جواز توسل به زور علیه عراق ۲۰۰۲ اشاره می‌کند که همه اشکال اقدامات ضروری و مناسب را علیه تروریست مقرر می‌دارد. در خصوص این استدلال و توجیهات، نکته قابل ذکر این است که جواز مداخله و توسل به زور در چارچوب حقوق داخلی یک

22. Martin Chulov & Spencer Ackerman, "Iraq Requests US Air Strikes as ISIS Insurgents Tighten Grip on Oil Refinery", *Guardian* (June 18, 2014), <http://www.theguardian.com/world/2014/jun/18/iraq-request-us-air-strikes-isis-baiji-oil>.

دولت برای حمله هوایی علیه اهداف داعش، به داعش مرتبط نیست چرا که حملات ۱۱ سپتامبر توسط داعش صورت نگرفته بود، هرچند که تا حدی این مجوزها برای حمله هوایی علیه القاعده محتمل به نظر می‌رسد اما استناد به جواز کنگره در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در هر صورت علیه داعش بعید به نظر می‌رسد.

در خصوص مداخله نیروهای ائتلاف به درخواست حکومت عراق می‌توان به اظهارات هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق، در نشست سازمان همکاری اسلامی در جدّه (۱۲ اوت ۲۰۱۴) اشاره کرد: «عراق به‌طور رسمی از امریکا برای انجام حملات هوایی به مراکز داعش درخواست کمک کرده است». در نتیجه، از منظر حقوقی، بمباران هوایی در قلمرو عراق، مطابق با حقوق بین‌الملل است زیرا همان‌گونه که بیان شد، گروه ائتلاف بر مبنای درخواست حکومت عراق که توانایی متوقف کردن پیشروی پیکارجویان داعش به سمت بغداد را نداشت، صورت گرفته است. اما برعکس، سوریه به‌طور صریح به مداخله نظامی نیروهای ائتلاف علیه داعش در قلمرو سرزمینی‌اش رضایت نداشته است^{۲۳} که این امر، نقض اصل حاکمیت و تمامت سرزمینی سوریه به شمار می‌رود. قضیه نیکاراگوئه برای حمایت از این دیدگاه قابل اشاره است.^{۲۴} دیوان در قضیه فوق، پرواز هواپیمای امریکا را بر فضای نیکاراگوئه بدون رضایت آن کشور، نقض تعهدات حقوق بین‌الملل عرفی دانست.

باوجود عدم جواز مداخله در سوریه بنا به عدم رضایت دولت سوریه، برخی نویسندگان اظهار می‌دارند که سوریه بر اساس این گفته سخنگوی دولت سوریه که «ما با یک دشمن روبه‌رو هستیم لذا باید با هم همکاری کنیم»، نسبت به این امر رضایت ضمنی داشته است.^{۲۵} همچنین عدم شکایت سوریه از سازمان ملل بعد از حملات نیروهای ائتلاف بر علیه داعش و اظهار مقام رسمی دولت سوریه مبنی بر اینکه مواضع تروریست‌ها توسط حملات هدف قرار می‌گیرد و نه اهداف نظامی سوریه و اطلاع دادن ایالات متحده در خصوص حملاتش به سوریه حاکی از آن است که دولت سوریه رضایت ضمنی داشته است.^{۲۶} اما این اوامر به احتمال زیاد نمی‌تواند به‌عنوان رضایت ضمنی تفسیر شود. علاوه بر این، مداخله نظامی بر اساس رضایت ضمنی در قلمرو سرزمینی یک دولت در جامعه بین‌المللی و در چارچوب حقوق بین‌الملل بسیار بحث‌برانگیز

23. Seina Karam, "Syria Warns U.S. against Bombing ISIS without Permission", *National Post* (Aug. 25, 2014, last updated Jan. 24, 2015, 8:35 PM).

24. ICJ Reports, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua*, *Nicaragua v. the United States of America*, 1986, paras. 195-98.

25. Arimatsu, Louise; Schmitt, Michael, "The Legal Basis for the War against ISIS Remains Contentious", *The Guardian* (Oct. 6, 2014, 4:00 PM), <http://www.theguardian.com/commentisfree/2014/oct/06/legal-basis-war-isis-syria-islamicstate>.

26. Ryan Goodman, "Taking the Weight Off of International Law: Has Syria Consented to US Airstrikes?", *Just Security* (Dec. 23, 2014, 10:46 AM), <http://justsecurity.org/18665/weight-international-law-syria-consented-airstrikes/>.

است چرا که نظریه رضایت ضمنی در حقوق بین‌الملل شناسایی نشده و این نظریه در نظم حقوقی بین‌المللی به‌طور گسترده پذیرفته نشده است.^{۲۷}

نکته دیگری که لازم به ذکر است، موافقت‌نامه امنیتی عراق و ایالات متحده، تحت عنوان اعلامیه اصول همکاری و دوستی بلندمدت است. ماده ۱ اعلامیه فوق، ایالات متحده را متعهد می‌نماید «از دولت عراق در حفظ نظام دموکراتیک خود در برابر خطراتی که از داخل و خارج متوجه این کشور است، دفاع کند». ماده ۳ نیز کمک دولت عراق در تلاش برای مبارزه با گروه‌های تروریستی و از بین بردن شبکه‌های پشتیبانی و منابع حمایت مالی و ریشه‌کنی آن‌ها در عراق، جزئی از تعهدات امریکاست. نوع اقدامات مذکور، شامل اقدام نظامی نیز هست و البته باید مراتب با توافق دولت عراق باشد که طبق آنچه در بالا اشاره شد، در قضیه فوق، موافقت قبلی دولت عراق وجود داشته و بعد از اقدام نیز رسماً از انجام و استمرار آن ابراز حمایت شده است.

۳-۳. لزوم احترام به حاکمیت داخلی دولت‌ها (مسئله حاکمیت)

بر اساس ماده ۱ منشور ملل متحد، یکی از اهداف اصلی ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در راستای اجرای این تعهد، کشورها مکلف به تحقق اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف کردن هرگونه عمل تجاوز یا سایر امور ناقض صلح و ... شده‌اند. همچنین بر مبنای اصل منع تهدید و توسل به زور علیه تمامت ارضی و استقلال سیاسی و حاکمیت، کشورها متعهد شده‌اند از توسل به زور و دخالت در حوزه صلاحیت داخلی کشورهای دیگر، خودداری کنند.^{۲۸} این مقررات، بیانگر تعهدات طلایی کشورها بر اساس منشور است. اما از سوی دیگر، دولت‌ها تعهد دیگری نیز دارند که موضوع آن، نگرهبانی از ارزش‌هایی درباره حفظ جان و عزت افراد بشر است. در مقام مقایسه، تقدم و برتری با ارزش‌های انسانی است. تعهد دولت‌ها برای نگرهبانی از حقوق اساسی افراد، مهم‌تر از تعهدشان برای احترام به حاکمیت سیاسی و تمامت ارضی کشورهاست.^{۲۹}

با تفسیر موسّع از منشور نسبت به اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش، می‌شود این اصل را عام‌الشمول دانست و این‌گونه توجیه کرد که تعیین حاکمیت و تعیین سرنوشت خویش

27. Arimatsu; Schmitt. *op. cit.*

28. البته در عصر حاضر با سیر تحولات حقوق بشر و خارج شدن آن از حیطه داخلی دولت‌ها و حمایت سازمان ملل متحد از این امر، به شورای امنیت این اختیار داده شده است که در صورت خشونت و نقض اساسی حقوق انسان‌ها، حاکمیت کشورها را نادیده گیرد و با تعلل در انجام وظایف خود، به خشونت دولت‌ها دامن نزند.

29. کاربرد زور برای دفاع از حقوق بشر، هرچند که برخلاف تعهد دولت درباره احترام به تمامت ارضی و حاکمیت سیاسی دولت‌های دیگر است اما نظر به اینکه این اقدام برای حفظ تعهد مهم‌تر و اساسی‌تری درباره حقوق بشر انجام می‌گیرد، اقدامی غیرقانونی نیست. پیری، حیدر؛ *منافع ملی حیاتی و حقوق بین‌الملل*، مجد، ۱۳۹۲.

به‌عنوان حقوق اساسی متعلق به همه مردم است و این نتیجه را گرفت که نیروهای ائتلاف با همین استدلال و تفسیر در جهت حق تعیین سرنوشت و حاکمیت دولت عراق (مداخله با درخواست و رضایت دولت عراق)، اقدام به مداخله بشردوستانه در عراق کرده است،^{۳۰} لذا هرگونه شبهه‌ای در رابطه با نقض حاکمیت از بین رفته و می‌توان گفت که مداخله نیروهای ائتلاف در عراق، خلاف مقررات منشور نبوده است.^{۳۱} اما عکس این استدلال در خصوص مداخله در سوریه صدق می‌کند. عملکرد نیروهای ائتلاف (با فقدان مجوز از سوی شورای امنیت) و ایجاد هرج‌ومرج سیاسی و اقتصادی بیشتر در سوریه، و پیامدهای حقوق بشری آن و خسارت‌های جنگی بعد از آن، بی‌شک نقض مسلم اصل حاکمیت و تمامت سرزمینی سوریه محسوب می‌شود.

با بررسی رویه شورای امنیت در اعمال مداخله بشردوستانه به نظر می‌رسد که شورا در اقدامات خویش سعی کرده است که به اصل حاکمیت دولت‌ها خدشه‌ای وارد نیابد و فقط در جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی موقتاً محدودیت‌هایی را برای دولت‌ها ایجاد کرده است. تصویب قطعنامه در خصوص عراق و سوریه^{۳۲} موجب شد که شورای امنیت، تمامت ارضی عراق و سوریه را به رسمیت بشناسد. در نتیجه، نظر به تأکید ویژه منشور و رویه سختگیرانه دیوان در لزوم محدود کردن موارد کاربرد توسل به زور و رعایت حاکمیت و تمامت ارضی دولت‌ها، مداخله نیروهای ائتلاف بدون جواز شورای امنیت، با اصل رعایت حاکمیت و تمامت ارضی دولت میزبان به‌عنوان قواعد مهم نظام بخش روابط بین‌الملل که مبنای عرفی و قراردادی دارند، در تعارض قرار می‌گیرد.

۴-۳. تحلیل مداخله نظامی نیروهای ائتلاف علیه داعش از منظر دفاع مشروع

سرمشق دفاع مشروع، چارچوب مناسب‌تری برای تحلیل مداخله بشردوستانه برای مقابله با داعش است. البته منظور آن نیست که حقوق حاکم بر دفاع مشروع، پاسخ آسان و دقیقی را در چنین مواردی ارائه می‌دهد چرا که نمی‌توان به‌آسانی دفاع مشروع را در این موارد پذیرفت. دولت‌های ائتلاف نیز اصل دفاع مشروع را مبنای حقوقی اقدام نظامی خود علیه داعش قرار می‌دهند. بر اساس این اصل، هر وقت یک دولت در معرض تجاوز نظامی بالفعل یا قریب‌الوقوع حتمی قرار بگیرد می‌تواند جهت دفع تجاوز به اقدام نظامی متناسب متوسل شود. ممکن است این اصل را برای دولت‌های عراق و سوریه موجه دانست، اما تسری آن به سایر دول غربی -

۳۰. برای تفسیر مشابه در این وضعیت، ن.ک:

Falk, Richard, "The Haiti Intervention: A Dangerous World Order Precedent for the United Nations", *Harvard International Law Journal*, vol. 3. No. 2. Spring 2005, p. 343.

31. Riesman, W., Michael, "Haiti and Validity of International Action", *American Journal of International Law*, vol. 89, No.1, January 1995, pp. 82-83.

۳۲. از جمله مهم‌ترین این قطعنامه‌ها: قطعنامه ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ (۲۰۱۴)، ۲۱۶۹ (۲۰۱۴)، ۲۱۷۰ (۲۰۱۴)، ۲۱۷۸ (۲۰۱۴)، و قطعنامه ۲۲۴۹ (۲۰۱۵).

عربی با تردید همراه است. آیا می‌توان سربریدن چند امریکایی را به منزله تهاجم نظامی بالفعل یا قریب‌الوقوع حتمی علیه امریکا قلمداد کرد؟ این دیدگاه با تعریف عرفی و سنتی حق دفاع مشروع مطابقت نمی‌کند. اما ممکن است نیروهای ائتلاف و در رأس آن ایالات متحده، استدلال کنند با توجه به ایدئولوژی ضد امریکایی داعش و عملکرد آن، اقدامات داعش به منزله تهدید امنیتی قریب‌الوقوع محسوب می‌شود و باید اقدامات پیشگیرانه علیه آن انجام داد.

در خصوص شرایط اعمال دفاع مشروع در پاسخ به استدلال نیروهای ائتلاف در عراق و سوریه برای مقابله با داعش می‌توان اظهار داشت که موازین اجرای اعمال حق دفاع مشروع در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین بر مبنای تفاسیر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل حاکی از آن است که وجود حمله اولیه خارجی اعم از عینی یا قریب‌الوقوع، تحقق آستانه اقدامات نظامی موجب شکل‌گیری مفهوم حمله مسلحانه، انتساب حمله تهاجمی به یک دولت، دولت‌بودن طرف هجوم، انجام واکنش از سوی دولت مورد هجوم یا دولت‌های دیگری که مخاطب استمداد دولت مورد هجوم بوده‌اند، ضرورت و تناسب در دفاع، رعایت موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، الزام گزارش‌دهی مدافع به شورای امنیت شرایط شکلی و ماهوی ایجاد حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی محسوب می‌شود که این موارد در عملیات و بمباران‌های هوایی نیروهای ائتلاف علیه داعش صورت پذیرفته است.^{۳۳} در نتیجه به‌وضوح مشخص است که مداخله نیروهای ائتلاف در حیطه ماده ۵۱ منشور قرار نمی‌گیرد زیرا وقوع حمله نظامی، شرط اصلی دفاع مشروع است و هرگونه حمله پیشگیرانه در این خصوص فاقد ارزش حقوقی بوده و دفاع محسوب نمی‌شود.^{۳۴} همچنین نقض فاحش و گسترده حقوق بشر توسط نیروهای داعش علیه افراد موجود در قلمرو یا تحت صلاحیت آن و تهاجمات ایدئولوژیک فرهنگی یا اقتصادی، اساساً تجاوز محسوب نشده و نمی‌تواند مصداق «حمله مسلحانه» تلقی شود. بنابراین وجود حمله مسلحانه برای استناد نیروهای ائتلاف به دفاع مشروع، شرط لازم است. اما کشته‌شدن چند امریکایی توسط تروریست‌های داعش به‌خودی‌خود نمی‌تواند معادل حمله مسلحانه باشد و توسل به دفاع مشروع را توجیه کند.

این تفسیر با ماهیت دفاع مشروع همخوانی دارد، چرا که دفاع مشروع، حق استثنایی است که

^{۳۳}. وجود اختلافات دولت‌ها و دکتین حقوقی در موضوع دفاع مشروع و عملکردهای متفاوت (عدم واکنش) شورای امنیت در بسیاری از قضایا (حملات اسرائیل به پایگاه‌های فلسطینیان در لبنان و تونس، حمله رودزبای جنوبی به زیمبابوه، حملات آفریقای جنوبی علیه زامبیا، آنگولا، حمله ترکیه به شمال عراق و ...) نشان‌دهنده نوعی تفسیر دلخواهانه و مبتنی بر منافع ملی حیاتی و امنیتی از دفاع مشروع است که با تفاسیر دیوان تفاوت آشکار دارد. پیری؛ همان، ص ۳۲۱.

^{۳۴}. دیوان در قضیه نیکاراگوئه و بعد از آن در قضیه سکوه‌های نفتی و دیوار حائل نه‌تنها پیش‌شرط و شرط لازم حمله مسلحانه را در استناد به دفاع مشروع، لازم می‌داند بلکه استفاده از زور در شدیدترین حالت را به‌عنوان حمله مسلحانه‌ای که به کشور مورد حمله اجازه استناد به دفاع مشروع را می‌دهد، لازم می‌داند.

ICJ Reports, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion of 9 July 2004, para. 139 and also: Nicaragua Case, *op. cit.*, para. 237.

تنها در صورتی اعمال می‌شود که هیچ ابزار دیگری وجود نداشته باشد. بر اساس معیار ضرورت و تناسب نیز، از آنجا که حملات مسلحانه داعش، قابل انتساب به دولت سوریه نیست، توسل به زور علیه پایگاه‌های مستقر در سرزمین دولت سوریه، لاجرم اقدامی علیه حاکمیت و تمامت ارضی آن محسوب می‌شود. در نتیجه نمی‌توان بحث مجوز توسل به زور برای مقابله با داعش را در قالب دفاع مشروع و با عنوان مداخله بشردوستانه مطرح کرد. مداخله بشردوستانه اساساً علیه نیروهای یک دولت و با هدف سرنگونی دولت متجاوز و سرکوبگر صورت می‌گیرد. داعش شامل نیروهای مسلح و حکومت یک دولت قلمداد نمی‌شود. همچنین حملات مسلحانه داعش قابل انتساب به دولت میزبان نیست تا اقدام به دفاع علیه آن مطرح باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که قانونی بودن حملات هوایی سوریه در محدوده قوانین موجود،^{۳۵} البته نه مطلوب^{۳۶} حقوق توسل به زور جای نمی‌گیرد.

۳-۵. مشروعیت مداخله نظامی نیروهای ائتلاف در چارچوب قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت

در مقام پاسخ به استدلال‌هایی که توسل به زور برای مقابله با داعش را بر اساس تفسیری موسع از بند چهارم ماده ۲ منشور در پرتو حقوق بشردوستانه و هدف‌های متعالی اخلاقی سازمان ملل متحد جایز می‌دانند، استناد و اشاره به قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مناسب به نظر می‌رسد.

سازمان ملل از آغاز تشکیل خود تا کنون در انجام مأموریت خویش به‌منظور حفظ حقوق بشر، قطعنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی فراوانی در موارد مختلف تدوین کرده است. شاید تا کنون بیش از ۷۰ معاهده بین‌المللی در این زمینه از سوی سازمان تهیه شده باشد.^{۳۷} تمام این معاهدات متضمن اعلام حقوق بشر و تعهد دولت‌ها برای اجرای این حقوق است، اما با تمام احوال و با تمام اهمیتی که حقوق بشر و احترام به جان و عزت آدمی دارد، هیچ‌کدام از این معاهدات متضمن حقی برای هیچ دولتی در کاربرد زور جهت اجرای حقوق بشر به شرح مندرج در این کنوانسیون‌ها و اسناد نیست. به‌علاوه در بسیاری از قطعنامه‌های سازمان ملل، کاربرد زور و دخالت در امور داخلی دولت‌های دیگر به‌طور کلی منع شده است. قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۷۴ درباره تعریف تجاوز، در ماده ۵ اعلام می‌دارد که: «هیچ‌گونه

35. Lege Lata

36. Lege Ferenda

۳۷. مهم‌ترین آن‌ها در حقوق بین‌الملل، عبارت‌اند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین حقوق بشر (میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، اعلامیه تهران، کنوانسیون بین‌المللی محو هرگونه و هر شکل تبعیض نژادی، کنوانسیون پیشگیری و سرکوب ژنوسید، کنوانسیون حقوق سیاسی زن، اعلامیه اعطای استقلال به کشورهای مستعمره و مردم آن و بسیاری معاهدات دیگر.

انگیزه سیاسی، اقتصادی، نظامی یا هیچ‌انگیزه و ملاحظه دیگر نمی‌تواند موجب توجیه تجاوز باشد.^{۳۸} حمله نظامی نیروهای ائتلاف به بهانه دفاع مشروع بر اساس قطعنامه تعریف تجاوز، در قلمرو سرزمینی دولت دیگر هرچند موقت باشد و بمباران سرزمین یا استفاده از هر نوع سلاح توسط دولت علیه سرزمین دولت دیگر، اقدام تجاوزکارانه به شمار می‌آید.

قطعنامه ۱۹۷۰ درباره اعلام اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها طبق منشور سازمان ملل متحد نیز در این زمینه بسیار پرمعنی و پراهمیت است. در این قطعنامه درباره تعهد دولت‌ها به خودداری از دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر اعلام شده است که هیچ دولتی به تنهایی یا با چند دولت دیگر حق ندارد «در امور داخلی و خارجی کشوری دیگر دخالت نماید. بنابراین دخالت نظامی یا هرگونه دخالت دیگر به هر شکل که باشد یا تهدید علیه شخصیت دولت یا سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌اش، تجاوز به حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود».^{۳۹}

شورای امنیت به‌عنوان رکن صالح اقدامات جمعی در صورت احراز تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز (ماده ۳۹ منشور) می‌تواند بر مبنای ماده ۴۱ و ۴۲ منشور، جواز اقدام نظامی بر اساس نظام امنیت جمعی منشور را صادر کند. شورا در خصوص داعش تا کنون قطعنامه‌های ذیل را صادر کرده است: قطعنامه‌های دوقلو: ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ (۱۷ ژوئن ۲۰۱۴)،^{۴۰} قطعنامه ۲۱۶۹ (۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴)،^{۴۱} قطعنامه ۲۱۷۰ (۲۰۱۴)،^{۴۲} قطعنامه ۲۱۷۸ (۲۰۱۴)،^{۴۳} قطعنامه ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) بعد از حوادث تروریستی فرانسه.^{۴۴}

با بررسی این قطعنامه‌ها می‌توان اظهار داشت که شورای امنیت سازمان ملل، جواز حمله هوایی و مداخله در قلمرو عراق و سوریه بر علیه داعش را صادر نکرده است. شورا ضمن محکومیت صریح حملات داعش و تروریستی خواندن این گروه، تلقی اقدامات آن به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، اعمال تحریم و ممنوعیت دولت‌ها از تأمین مالی و حمایت از آن‌ها، خواستار الزام طرف‌های منخاصه به پایبندی به تعهدات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه شده است. شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۷۰ و ۲۱۷۸ از دولت‌ها می‌خواهد که همه اقدامات ضروری و متناسب مطابق تعهداتشان به‌موجب منشور و دیگر تعهدات آن‌ها به‌موجب حقوق بین‌الملل را

38. General Assembly Resolution 3314 (XXIX), Definition of Aggression, 14 December 1974.

39. General Assembly Resolution 2625 (XXV). Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations, 24 October 1970.

40. SC/RES/2161 (2014) and SC/RES/2160 (2014), 17 June 2014.

41. SC/RES/2169 (2014) 30 July 2014.

42. Resolution 2170 (Syria and Iraq) SC/RES/2170, 15 Aug 2014.

43. SC/RES/2178 (2014), 24 September 2014.

۴۴. پیش‌نویس این قطعنامه پس از حوادث تروریستی فرانسه توسط دولت فرانسه تقدیم شورا شد که در نهایت در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۵ با اتفاق آرا در صحن شورای امنیت به تصویب می‌رسد. SC Resolution 2249 (2015), 20 November 2015.

برای مقابله با اقدامات تروریستی و اعمال تندروانه و خشونت‌آمیزی که توسط افراد و موجودیت‌های وابسته به داعش (جنگجویان تروریست خارجی) صورت گرفته، انجام دهند. شورا در قطعنامه ۲۱۷۸ اهمیت رعایت قواعد حقوقی برای جلوگیری و مبارزه مؤثر با تروریسم را متذکر می‌شود و اعلام می‌دارد که عدم رعایت این قواعد و دیگر تعهدات بین‌المللی، از جمله تعهدات به موجب منشور، از عواملی است که افراط‌گرایی بیشتر و تقویت حس بی‌کیفیری را موجب می‌شود. شورای امنیت به دنبال حوادث تروریستی پاریس در قطعنامه ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) که به ابتکار فرانسه تهیه شد، اعمال و حملات تروریستی ارتكابی داعش را در فرانسه محکوم و داعش را به‌منزله تهدید جهانی و بی‌سابقه برای صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌کند. در این قطعنامه، شورا از کشورهای عضو که توانایی و ظرفیت لازم را دارا هستند درخواست می‌کند به‌منظور جلوگیری و سرکوب اقدامات تروریستی داعش و سایر گروه‌های تروریستی (همه اقدامات لازم و ضروری برای بازیافتن صلح و امنیت بین‌المللی)^{۴۵} را منطبق با منشور سازمان ملل، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق پناهندگان و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قلمرو سرزمینی تحت کنترل داعش در سوریه و عراق انجام دهند و تلاش‌ها و هماهنگی‌های خود را در این زمینه دوچندان کنند تا پناهگاه ایمن تروریست‌ها در عراق و سوریه، ریشه‌کن و نابود شود.

نکته بسیار مهم، درخواست از کشورهاست تا انواع اقدامات ضروری را برای مقابله با داعش به‌کار گیرند. البته به نوعی می‌توان این نوع اظهار را جوازی برای توسل به زور دانست. اما نکته جالب توجه این است که شورای امنیت به‌جای واژه‌های authorize و decide از واژه call upon استفاده می‌کند. این امر نشان از علاقه شورای امنیت برای استفاده از زور توسط دولت‌هاست اما چنین اقدامی را اجازه نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که جمله شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۴۹ مبنی بر (انجام همه اقدامات ضروری...) حاکی از همکاری و هماهنگی تلاش‌های دولت‌ها برای جلوگیری و سرکوب اقدامات تروریستی ارتكابی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه است و نه جواز صریح توسل به زور. هرچند اقدامات ضروری می‌تواند بدون تأیید هرگونه نظریه حقوقی خاص برای حمایت سیاسی برای اقدام نظامی و توسل به زور تفسیر شود، ابهام خاص قطعنامه، حاکی از این واقعیت است که به‌طور حقوقی و صریح، جواز اقدامات مسلحانه برای مقابله با داعش را تأیید نمی‌کند. لذا در این قطعنامه‌ها مبنای قانونی برای اقدام نظامی در نظر گرفته نشده است. در نتیجه نمی‌توان اقدامات نیروهای ائتلاف را در پرتو قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر جواز مداخله نظامی توجیه کرد و درنهایت، این قطعنامه‌ها کارکردی برای تأیید شکلی یا ماهیتی ائتلاف جهانی ضد داعش ندارد.

۶.۳. ارزیابی مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در چارچوب نظریه

مسئولیت حمایت

استدلال طرفداران ائتلاف علیه داعش، نظریه مسئولیت حمایت و وظیفه دخالت بشردوستانه قهری است که بر مبنای آن، در صورتی که گروهی از انسان‌ها در وضعیت اسف‌بار انسانی (جنایت، کشتار و ...) قرار بگیرند وظیفه جامعه بین‌المللی و دولت‌هاست که با دخالت نظامی به کمک آن‌ها بشتابند و جلوی بروز جنایت انسانی بیشتر را بگیرند. چالشی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که چرا مسئولیت حمایت در خصوص رژیم حکومتی سوریه اعمال نمی‌شود. این رژیم نیز از روش‌های و تکنیک‌های وحشیانه و بربریت و سایر جرایم استفاده نموده است. از این رو معقول و منطقی به نظر نمی‌رسد که چرا نباید مسئولیت حمایت علیه رژیم اسد استفاده نشود و علیه داعش اعمال شود. نباید از مسئولیت حمایت به گونه‌ی تبعیض‌آمیز استفاده شود.

این استدلال‌ها بر اساس تعریف بحران در محدوده زمانی ماه‌های میانی سال ۲۰۱۴ صورت گرفته است که داعش با حمله به عراق، قدرت بیشتری گرفت. ولی اگر محدوده زمانی بحران، از سال ۲۰۱۱ تعریف شود و نقش دول غربی و عربی در تشدید جنگ داخلی سوریه و ظهور گروه‌هایی چون داعش، مؤثر دانسته شود، مبنای حقوقی ائتلاف در برهه فعلی با چالش‌هایی همراه خواهد بود. در هر حال، قانونی بودن یا نبودن موضوع، یک نوع رابطه بین‌الادّهانی است و نمی‌توان مبنای محکم برای آن جستجو کرد.

مداخله بشردوستانه در سوریه که در دو بُعد نظامی و غیرنظامی صورت می‌گیرد نمی‌تواند به استناد حقوق بین‌الملل عرفی انجام شود زیرا استناد به عرف بین‌المللی، مداخله بشردوستانه را بدون مجوز شورای امنیت نپذیرفته^{۴۶} و از طرفی بار اثبات دعوای مستند به یک قاعده عرفی با طرفی است که مدعی وجود چنین قاعده‌ای است. نتیجه مداخله نظامی ناتو در بحران کوزوو در سال ۱۹۹۹^{۴۷} می‌تواند شکل‌گیری اجماع نسبی راجع به مداخله بشردوستانه باشد با این توضیح

۴۶. همانگونه که پروفیسور باوت اظهار می‌دارد کاهش کاربرد زور بدون اجازه سازمان‌های صلاحیت‌دار جامعه بین‌المللی و نیاز به حمایت از امنیت و استقلال سیاسی دولت‌ها در سلسله مراتب ارزش‌ها و هدف‌های بنیادین مندرج در منشور سازمان ملل قرار دارد.

D. W. Bowett, "Intervention and Self-Defence", in *Law and Civil War in the Modern World*, (J. N. Moore ed.), 1974, p. 39.

۴۷. کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در سخنرانی خویش در افتتاحیه اجلاس سالانه مجمع عمومی در سپتامبر ۱۹۹۹ به این مسئله پیچیده اشاره کرد: «کوزوو مصداق بارز آن چیزی است که مداخله بشردوستانه نامیده می‌شود. از یک سو مسئله مشروعیت اقدام یک سازمان منطقه‌ای بدون مجوز ملل متحد و از سوی دیگر، الزام پذیرفته‌شده جهانی مبنی بر توقف سریع نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که با تبعات انسانی شدیدی همراه بود، خود را نشان می‌داد چالش اصلی شورای امنیت و ملل متحد در کل در قرن آینده بر این اصل متمرکز است که دیگر نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر،

که در صورت تأیید شورای امنیت یا به درخواست دولت میزبان، این امر قانونی^{۴۸} و به‌طور کلی بدون مجوز شورا، غیرقانونی و ممنوع می‌نماید.

به‌رغم بررسی پرونده سوریه در شورای امنیت، شکست مأموریت هیئت ناظر اتحادیه عرب و گزارش کمیته مستقل شورای حقوق بشر در مورد سوریه، مبنی بر اینکه در چندین نقطه از خاک سوریه، جنایت علیه بشریت اتفاق افتاده، امکان اعمال مداخله بشردوستانه نظامی یا دکترین مسئولیت حمایت در سوریه وجود ندارد. از آنجاکه شورای امنیت، وضعیت در سوریه را به‌عنوان تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز شناسایی نکرده و تجویز تحریم یا اقدام نظامی به‌موجب ماده ۳۹ منشور پس از احراز چنین وضعیت‌هایی در چارچوب ماده ۴۱ و ۴۲ فصل هفتم امکان‌پذیر است، در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل، هیچ زمینه قانونی برای مداخله نظامی در سوریه دیده نمی‌شود. اعمال نظریه مسئولیت حمایت، بر هیچ‌کدام از سه استثنای مندرج در منشور بر اصل عدم توسل به زور که مداخله را مشروع و قانونی می‌نماید، استوار نیست.^{۴۹} همچنین، اسناد مربوط به مسئولیت حمایت (از جمله بند ۱۳۹ سند پیامد اجلاس سران یا گزارش هیئت عالی‌رتبه منتخب دبیرکل) به ایجاد پیوند میان فصل هفتم منشور و دکترین مسئولیت حمایت در مرحله اقدام نظامی پرداخته‌اند و هیچ‌گونه اقدام یک‌جانبه از سوی یک دولت یا گروهی از دولت‌ها را مشروع قلمداد نکرده و آن را ناقض اصل حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌ها دانسته و متوقف بر قطعنامه‌های شورای امنیت کرده‌اند.^{۵۰}

تجربه بحران لیبی و مداخله بشردوستانه در آن کشور که با تفسیر موسع از قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت ۲۰۱۱ انجام گرفت، نشان داد که مداخله بشردوستانه و شکل تکامل‌یافته‌تر آن

در هر جا که رخ دهد، قابل تحمل نخواهد بود...». جانستون، ایان؛ «دفاع ضرورت در گفت‌وگو بین‌المللی: مداخله بشردوستانه و مبارزه با تروریسم»، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۸۵، ص ۲۸۵.

۴۸. درعین‌حال، این ادعا هم بحث‌انگیز بوده است. اگرچه رویه شورای امنیت در دهه ۹۰ نشانگر آن است که اعضای آن تدریجاً مداخله را در موارد بسیار حاد می‌پذیرند و کشورهای هم‌چون روسیه و چین (که در بسیاری از موارد رأی ممتنع داده است) مداخله را به‌عنوان اصل کلی نمی‌پذیرند. درعین‌حال پس از قضیه کوزوو شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه روسیه، چین، هندوستان و دیگر دولت‌های مخالف، تدریجاً چنین عملی را مشروع و حتی آن را مسئولیت شورای امنیت می‌دانند.

۴۹. از زمان آغاز این حملات محدود که از تصمیم مقامات نظامی آمریکا از جمله تصمیم و تأیید رئیس‌جمهوری این کشور نشأت گرفته‌اند، تا کنون کمترین مخالفتی در جامعه بین‌المللی با حملات مذکور از منظر موجه یا مشروع نبودن آن‌ها صورت نگرفته است. به‌واقع، رویه بین‌المللی نشان می‌دهد که هم دولت عراق و دولت‌های منطقه و هم نهاد‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نسبت به این رویداد به‌عنوان اقدامی نسبتاً مثبت نگریسته‌اند، هرچند ممکن است برخی آن را کافی برای امحای تهدیدات جدی داعش ندانسته باشند. از این‌رو رویه دولت‌ها به‌عنوان قرینه تطبیق وقایع با قواعد بین‌المللی و انعکاس استنتاج‌های حقوقی، مؤید مشروعیت اقداماتی است که آمریکا در قالب حملات هوایی علیه مراکز و اهداف نظامی داعش انجام داده است.

۵۰. قربان‌نیا، ناصر؛ حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۰.

یعنی مسئولیت حمایت می‌تواند مورد سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ برای تأمین منافع محدود سیاسی، تأمین اهداف ژئوپلیتیک و تغییر رژیم قرار گیرد. تجربه لیبی به‌طور مؤثری از سرعت توسعه هنجار مداخله بشردوستانه و نظریه مسئولیت حمایت، کاست.^{۵۱}

سؤال چالش‌برانگیز این است که اگر بازیگر غیردولتی مرتکب جرایم شدید علیه افراد غیرنظامی شود، مداخله بشردوستانه علیه کنش‌گر غیردولتی مستلزم چه فاکتورهایی است و چه شرایطی باید شکل گیرد تا مشروعیت داشته باشد. این مسئله به‌عنوان یک خط‌مشی سیاسی بدون تعهد کامل یا تعهد نسبی به قواعد، زمانی که نقض فاحش و شدید حقوق بشر رخ می‌دهد همچنان سؤال‌برانگیز است. آیا منطق مداخله بشردوستانه عملی است؟ با توجه به این مراتب، چنین به نظر می‌رسد که کوشش برای تفسیری محدود و مشروط از ممنوعیت کاربرد زور مندرج در ماده (۴) منشور و تفسیر موسع از مداخله بشردوستانه برای توجیه دخالت نظامی با انگیزه یا با بهانه دفاع از حقوق بشر درست نبوده و از نظر حقوقی، اساس استواری ندارد.

۷-۳. مشروعیت مداخله نظامی نیروهای ائتلاف از منظر پارادایم استنفکاف یا ناتوانی

قاعده جدیدی در حقوق بین‌الملل در حال شکل‌گیری است که پارادایم استنفکاف یا ناتوانی نامیده می‌شود. مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در قلمرو سوریه و عراق از این منظر قابل بررسی است.^{۵۲}

حقوق توسل به زور، اجازه مداخله نظامی در مرزهای ملی و سرزمینی دولت عراق و سوریه بر علیه داعش را نمی‌دهد. اما اکنون پارادایمی تحت عنوان استنفکاف و ناتوانی در حقوق بین‌الملل در حال تدارک است که بر مبنای آن، مداخله نظامی دولت (الف) علیه گروه‌های تروریستی واقع مستقر در دولت (ب) را اجازه می‌دهد؛ اگر دولت (ب) ناتوان باشد یا تمایلی برای جلوگیری از استفاده از سرزمینش به‌عنوان سکوی پرتاب اعمال خشونت‌آمیز تروریست‌ها نداشته باشد.^{۵۳}

اگرچه طرفداران این پارادایم در چارچوب دفاع مشروع به دنبال روی آوردن و توسل به واکنش نظامی علیه عاملان خشونت‌های تروریستی‌اند، به نظر می‌رسد که اجرای آن، محدود به وضعیت‌هایی نیست که اقدام نظامی دفاعی را ایجاب می‌کند.

این پارادایم، نخستین بار در گزارش کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت در دسامبر

۵۱. رضایی، محمدتقی؛ و همکاران، مبانی حقوقی مداخله در سوریه در چارچوب دکترین‌های نو، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴، ص ۲۱۳.

۵۲. لازم به ذکر است هر چند مفهوم استنفکاف یا ناتوانی به عنوان قاعده حقوقی تاکنون در حقوق بین‌الملل شکل نگرفته است اما ممکن است در آینده نزدیک چنین مفهومی به‌عنوان قاعده جدید در حقوق توسل به زور شکل گیرد.

53. D. van der Vyver, Johan, "The ISIS Crisis and the Development of International Humanitarian Law", *Emory University School of Law*, October 2015, Available at: http://works.bepress.com/johan_vandervyver/1.

۲۰۰۱ در ارتباط با مسئولیت حمایت بیان شد.^{۵۴} به‌زعم کمیسیون، اگر یک دولت ناتوان، یا از انجام مسئولیت حمایت استتکاف ورزد، یا خودش مرتکب نقض قواعد شده باشد، این مسئولیت جامعه بین‌المللی است که به‌جای آن دولت وارد عمل شود.^{۵۵} کمیسیون در این خصوص اظهار می‌دارد که می‌توان به مداخله مسلحانه در این وضعیت‌ها از دو منظر متوسل شد: دفاع مشروع و مداخله بشردوستانه. اگر بعد از فرصت معقول، دولتی که تروریست‌ها در قلمرو آن به سر می‌برند در خنثی‌کردن خطر گروه‌های مسلحی که در داخل مرزهایش سرچشمه می‌گیرد به‌طور مؤثری شکست بخورد، چه به دلیل ناتوانی و چه به دلیل استتکاف، لذا دولتی که با حملات، تهدید شده است در چارچوب دفاع مشروع علیه گروهی که خطر را ایجاد کرده می‌تواند به نیروی نظامی متوسل شود. در خصوص مداخله بشردوستانه، کمیسیون اظهار می‌دارد که مداخله نظامی برای اهداف حمایتی بشری باید به‌عنوان اقدامات استثنایی و فوق‌العاده در نظر گرفته شود. همچنین باید آسیب‌ها جدی و جبران‌ناپذیر باشد یا فوراً رخ دهد.^{۵۶}

حمله هوایی ایالات متحده و نیروهای ائتلاف به سوریه نیز با توسل به این دکترین توجیه شد. در نامه نماینده ایالات متحده در سازمان ملل^{۵۷} به دبیرکل سازمان ملل، حمله هوایی به سوریه این‌گونه توجیه شده بود: دولت اسلامی عراق و شام و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه تهدیدی نه‌تنها برای عراق بلکه برای بسیاری دیگر از کشورها از جمله ایالات متحده و متحدان ما در منطقه و فراتر از آن به شمار می‌رود. زمانی که حکومت، ناتوان است یا تمایلی به جلوگیری از استفاده از سرزمین‌اش برای چنان حملاتی ندارد، دولت‌ها باید بتوانند مطابق با حق دفاع مشروع، آن‌گونه که در ماده ۵۱ منشور مقرر شده است از خودشان دفاع کنند. رژیم سوریه نشان داده است که نمی‌تواند و تمایلی ندارد که با این پناهگاه ایمن به‌طور مؤثری مقابله کند.^{۵۸} توسل به ناتوانی و استتکاف نیز سخنان بان‌کی‌مون که در اواخر سپتامبر اظهار داشت دیده می‌شود: حملات هوایی امریکا در مناطقی بود که دیرزمانی است تحت کنترل مؤثر حکومت سوریه نبوده است.

چالش مهمی که در ارتباط با این پارادایم مطرح می‌شود این است که دولت‌های قدرتمند به این پارادایم برای دفاع از منافع‌شان و زیان تمامت ارضی کشورهای ضعیف متوسل می‌شوند. لذا این امر، منجر به فرسایش حاکمیت دولت‌ها و نظم جهانی می‌شود که حاکمیت بر مبنای آن استوار

54. Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty on the Responsibility to Protect, Synopsis, para. (1)B, available at: <http://responsibilitytoprotect.org/ICISS%20Report.pdf>.

55. *Ibid.*, para. 2.29.

56. *Ibid.*, para. 4.18.

57. Samantha Power

58. Letter of Samantha J. Power to His Excellency Mr. Ban Ki-moon, Secretary-General of the United Nations, 23 Sept. 2014, U.N. Doc. S/2014/695 (2014). Available at: <http://www.vox.com/2014/9/23/6836195/read-us-letter-to-un-security-council-claiming-self-defense-justifies>.

است. همچنین چون ادعای دولت‌ها مبنی بر استنکاف یا ناتوانی، ادعای ذهنی است و به راحتی قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست، می‌تواند فضای زیادی برای تفاسیر متناقض فراهم کند.

پارادایم ناتوانی و استنکاف، نشان‌دهنده چالشی قابل توجه بر حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل است. این امر ناشی از آن است که توجیه‌های حقوقی این پارادایم بر معانی مفاهیم حقوقی بنیادینی که به طور کلی در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است (از جمله دفاع مشروع، حمله مسلحانه، توسل به زور، ضرورت و تناسب، مخاصمه مسلحانه، خطر قریب‌الوقوع و ...) تهاجمی روشن، پایدار و جدی وارد کرده است. سازگاری و مطابقت پارادایم ناتوانی و استنکاف با مقررات توسل به زور و ایجاد استثنای نانوشته بر ممنوعیت توسل به زور بسیار مشکل است و یکپارچگی حقوق بین‌الملل را به خطر می‌اندازد. معیار و ضابطه ناتوانی و استنکاف، و قانونی بودن دفاع مشروع و جواز توسل به زور در کشور میزبان، اساس کارآمد و مبنای معتبری در حقوق معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی ندارد؛ نه در ماده ۵۱ منشور به آن اشاره شده و نه دولت‌ها به اندازه کافی آن را پذیرفته‌اند، و دیوان بین‌المللی دادگستری چنین توسل به زوری را انکار و از شناسایی آن خودداری کرده است تا نتواند وضعیت قاعده عرفی به دست آورد. در نتیجه باید اذعان کرد که قواعد در این زمینه مبهم و نامشخص باقی مانده و این حوزه از حقوق بین‌الملل با عدم قطعیت حقوقی قابل توجهی ترسیم شده است.

نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان شد، «دخالت‌های نظامی نیروهای ائتلاف برای مقابله با داعش» و توسل به زور بدون مجوز شورای امنیت، رضایت دولت و با استناد به ماده ۵۱ منشور ولی بدون توجه به شرایط حقوقی که دفاع مشروع بر آن استوار است فاقد وجهت منشوری در حقوق بین‌الملل معاصر است و خلاف اصول اساسی حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل و دیگر اسناد معتبر بین‌المللی است، که آموزه‌های آن‌ها امروزه به خوبی در حقوق بین‌الملل عرفی نیز رسوخ کرده است و به علاوه خلاف مصلحت و تدبیر است. از این رو مداخله بشردوستانه نیروهای ائتلاف^{۵۹} بدون رعایت استثنائات وارده بر توسل به زور، دارای پیامدهای امنیتی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی منفی زیادی خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه و ضعیف

۵۹. باید بین ابعاد سیاسی - اخلاقی مداخله بشردوستانه و بررسی مبانی حقوقی، امکان مداخله بشردوستانه در سوریه تا حد امکان تفکیک قائل شد. به عبارتی، باید دو مؤلفه قانونی بودن (Legality) و مشروعیت (Legitimacy) را در بحث مداخله تفکیک کرد. در این صورت می‌توان اعلام داشت که مداخله بشردوستانه برای حمایت از جمعیت غیرنظامی و جلوگیری از جنایت بیشتر علیه بشریت هر چند در خصوص قانونی بودن آن در چارچوب حقوق بین‌الملل موجود اختلاف نظر است اما در خصوص مشروعیت این اقدامات نمی‌توان تردید نمود.

است، که طرفداران نظریه مداخله بشردوستانه قادر به پاسخگویی مناسب به آن نیستند. بنابراین علی‌رغم جنایات داعش علیه جمعیت غیرنظامی، از آنجاکه اقدامات مسلحانه نیروهای ائتلاف در کشور سوریه علیه داعش بدون کسب اجازه و درخواست صریح دولت سوریه و بدون مجوز شورا و شرایط دفاع مشروع صورت گرفته، آن‌گونه که دیوان در قضیه نیکاراگوئه اعلام می‌دارد، ناقض بند ۴ ماده ۲ منشور است و نظام بین‌المللی را به نظم حقوقی پیش از تصویب منشور، عقب می‌برد.

استدلال طرفداران ائتلاف علیه داعش مبنی بر توجیه مداخله بر اساس نظریه مسئولیت حمایت با این چالش مواجه است که اسناد مربوط به مسئولیت حمایت، هیچ‌گونه اقدام یک‌جانبه از سوی یک دولت یا گروهی از دولت‌ها را مشروع قلمداد نکرده و آن را ناقض اصل حاکمیت و تمامت سرزمینی دولت‌ها دانسته و متوقف بر قطعنامه‌های شورای امنیت کرده است که شورای امنیت جواز اقدامات مسلحانه برای مقابله با داعش را تأیید نمی‌کند. کوشش برای تفسیری محدود و مشروط از ممنوعیت کاربرد زور مندرج در ماده (۴) منشور و تفسیر موسع از مداخله بشردوستانه برای توجیه دخالت نظامی با انگیزه یا با بهانه دفاع از حقوق بشر بسیار خطرناک و از نظر حقوقی بر اساس استواری مبتنی نیست زیرا چنین تفسیری موجب پیدایش حقی نامحدود برای ایجاد جنگ تهاجمی و دخالت نظامی ابرقدرت‌ها خواهد شد.

در خصوص توجیه مداخله دولت‌های ائتلاف بر اساس رضایت ضمنی در سوریه نیز از آنجاکه در جامعه بین‌المللی چنین نظریه‌ای شناسایی و پذیرفته نشده است، نمی‌تواند قانونی باشد. اما از آنجاکه مداخله در عراق به رضایت و دعوت رسمی این دولت جهت دفع تجاوز داعش انجام شده، می‌توان گفت که این مداخله، خلاف اصول حقوق بین‌الملل نبوده است. در ارتباط با دکترین ناتوانی و استنفکاف که مداخله نظامی نیروهای ائتلاف علیه داعش از منظر آن توجیه می‌شود از آنجاکه چنین قاعده‌ای تا کنون در حقوق بین‌الملل شکل نگرفته است نیروهای ائتلاف نمی‌توانند به آن استناد کنند. حتی در صورت شکل‌گیری این قاعده، تنها دولت عراق، آن‌هم با رعایت مقررات حقوق بشر و بشردوستانه می‌تواند به آن استناد کند نه نیروهای ائتلاف. کشورهای قدرتمند به این دکترین برای دفاع از منافع‌شان و زیان تمامت ارضی کشورهای ضعیف متوسل می‌شوند. این امر منجر به فرسایش حاکمیت دولت‌ها و نظم جهانی می‌شود که حاکمیت بر مبنای آن استوار است. همچنین با توجه به اینکه ادعای دولت‌ها مبنی بر استنفکاف یا ناتوانی، یک ادعای ذهنی است و به راحتی قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست می‌تواند فضای زیادی برای تفاسیر متناقض فراهم کند. در نتیجه، استناد دولت‌های ائتلاف به دفاع مشروع جلوه‌دادن حملات در سوریه علیه داعش، بر اساس حقوق بین‌الملل موجود، قابل دفاع نیست و نخواهد بود.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- پیری، حیدر؛ منافع ملی حیاتی و حقوق بین‌الملل، مجد، ۱۳۹۲.
- صباحی، برزو؛ نقش سازمان‌های منطقه‌ای در اجرای قطعنامه شورای امنیت، آینه آثار، ۱۳۷۹.
- قربان‌نیا، ناصر؛ حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

- مقاله

- پیری، حیدر؛ سیدقاسم زمانی و ناصر سیدابراهیمی؛ «منافع ملی حیاتی در چارچوب هنجارهای حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۴، ۱۳۹۲.
- جانستون، ایان؛ «دفاع ضرورت در گفتمان حقوقی بین‌المللی: مداخله بشردوستانه و مبارزه با تروریسم»، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۸۵.
- رضایی، محمدتقی و همکاران، «مبانی حقوقی مداخله در کشور سوریه در چارچوب دکتین‌های نو»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال ششم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴.

ب. انگلیسی

- Book

- Chesterman, Simon, *Just War or Just Peace, Humanitarian Intervention and International Law*, Oxford University Press, 1st Ed., 2001.

- Articles

- Bowett, D.W., "Intervention and Self-Defence", in *Law and Civil War in the Modern World* (J. N. Moore ed.), 1974.
- Carmen-Cristina Cîrlig, "The International Coalition to Counter ISIL/Da'esh (the 'Islamic State')", European Parliamentary Research Service, 17 March 2015.
- D. van der Vyver, Johan, "The ISIS Crisis and the Development of International Humanitarian Law", *Emory University School of Law*, October 2015, Available at http://works.bepress.com/johan_vandervyver/1.
- Falk, Richard, "The Haiti Intervention: A Dangerous World Order Precedent for the United Nations", *Harvard International Law Journal*, vol. 3. No. 2. Spring 2005.
- Goodman, Ryan, "Taking the Weight Off of International Law: Has Syria Consented to US Airstrikes?", *Just Security* (Dec. 23, 2014, 10:46 AM).

- Johnstone, Ian, "The Plea of "Necessity" in International Legal Discourse: Humanitarian Intervention and Counter-Terrorism", *Columbia Journal of Transnational Law*, vol. 43, No. 2, 2005.
- Kolb, Robert, "Note on Humanitarian Intervention", *RICR*, vol.85, No.849, March 2003.
- Arimatsu, Louise; Schmitt, Michael. "The Legal Basis for the War against ISIS Remains Contentious", *The Guardian* (Oct.6, 2014, 4:00 PM).
- Martin Chulov & Spencer Ackerman, "Iraq Requests US Air Strikes as ISIS Insurgents Tighten Grip on Oil Refinery", *Guardian* (June 18, 2014).
- Orford, Anne, "Reading Humanitarian Intervention: Human Rights and Use of Force in International Law", *Harvard Human Rights Journal*, vol. 17, Spring 2004.
- Riesman, W. Michael, "Haiti and Validity of International Action", *American Journal of International Law*, vol. 89, No.1, January 1995.
- Samuel Smith, "UN Report on ISIS: 24,000 Killed, Injured by Islamic State; Children Used as Soldiers, Women Sold as Sex Slaves", *The Christian Post*, 9 October 2014.
- Seina Karam, *Syria Warns U.S. against Bombing ISIS without Permission*, NATIONAL POST (Aug. 25, 2014, last updated Jan. 24, 2015, 8:35 PM).
- Schmitt, Michael N., "Wings over Libya: The No-Fly Zone in Legal Perspective", *The Yale Journal of International Law Online*, vol. 36, 2011.
- Zacklin, Ralf, "Beyond Kosovo: The United Nations and Humanitarian Intervention", 41 *Va. J. Int'l L.* 923 (2000-2001).
- Zemanek, Karl, "Human Rights Protection v.s. Non-Intervention: A Perennial Conflict?", in L. C. Vohrah, *et. al.* (eds.), *Man's Inhumanity to Man*, Kluwer Law International, Printed in the Netherlands, 2003.

- Documents

- A More Secure World: Our Shared Responsibility, Report of the Secretary-General's High-level Panel on Threats, Challenges and Change (2004).
- General Assembly Resolution 3314 (XXIX), Definition of Aggression, 14 December 1974.
- Human Rights Council, 29th Session, Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms While Countering Terrorism, Ben Emmerson, 16 June 2015.
- ICJ Reports, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion of 9 July 2004.

- ICJ Reports, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 8 July 1996.
- ICJ Reports, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, *Nicaragua v. the United States of America*, 1986.
- Letter of Samantha J. Power to His Excellency Mr. Ban Ki-moon, Secretary-General of the United Nations, 23 Sept. 2014, U.N. Doc. S/2014/695 (2014).
- Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty on the Responsibility to Protect, December 2001.
- SC/RES/2161 (2014) and S/RES/2160 (2014), 17 June 2014.
- SC/RES/2169 (2014), 30 July 2014.
- SC/RES 2170 (Syria and Iraq) 15 Aug 2014.
- SC/RES/2178 (2014), 24 September 2014.
- SC/RES 2249 (2015), 20 November 2015.
- UN Human Rights Office of the High Commissioner for Human Rights and the UN Assistance Mission for Iraq, Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July- 10 September 2014, 2014.

- Websites

- <http://www.vox.com/2014/9/23/6836195/read-us-letter-to-un-security-council-claiming-self-defense-justifies>.
- <https://www.yjc.ir/fa/tag/>.
- www.state.gov/s/seci/index.htm.
- <http://www.guardian.co.uk>, Nov/2014, and <http://en.alarabiya.net/News/middle-east/2014>.